

بیاد احسان طبری

گالبد

گالبد

مرد جاویدان

تو امر از طوره می اعصار!

در آن دنهار تا رنگ تبه کاران

چرا انکار نمودر جانین خود را؟

چرا از یاد بردی لرزش خود را؟!؟

زبانم لال اگر گویم

برای چند روز زینجه

در این جهان بودن

مراسم از فنان جسم و جان بودن

که یکسانان دوران کرد

چو بی حرکت اند، نمائند ...

خشم این است که پاره

طبع تند رنگش خود را!

چگونه رام کردی

و بر تارهای زندان

فردی سینه می پر آتش خود را

زمان، هرگز نبرد از یاد

سین از آن اعتراف تلخ ناباور

تو گفتی

با همه این که زین گرددت و می گردد

گالبد

تا زین گرددت و گرددت

تو پرفری و یا بنده ...

۲۱۰
۱۳۵۲ لندن